

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پژوهشکده زبان‌شناسی  
گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی

## رساله دکتری رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی

تجزیه و تحلیل واژگانی و دستوری متن ختنی «داستان بودا و بدره جادوگر»

بنابر فصل دوم کتاب زمبسته

استاد راهنما:

دکتر مهشید میرفخرایی

استادان مشاور:

دکتر محمدتقی راشد محصل

دکتر مائورو مجی

پژوهشگر:

ماندانا طائبی

مهرماه ۱۳۹۷



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مدیریت تحصیلات تکمیلی

باسمه تعالی

هیأت داوران در جلسه مورخ ۱۳۹۷/۰۷/۱۵

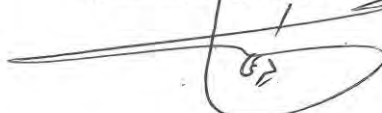
رساله‌ی تحصیلی خانم ماندانا طائبی دانشجوی مقطع دکتری رشته‌ی فرهنگ و زبانهای باستانی

تحت عنوان:

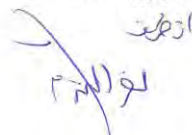
تجزیه و تحلیل واژگانی و دستوری متن ختنی "داستان بودا و بدره جادوگر" بنا بر فصل دوم کتاب زمبسته  
را بررسی کردند و رساله با نمره ۱۹/۲۵ و درجه عالی به تصویب نهایی رسید.

۱. استاد راهنمای رساله: سرکار خانم دکتر مهشید میرفخرایی با مرتبه علمی استاد  
امضا 
۲. استاد مشاور اول رساله: جناب آقای دکتر محمد تقی راشد محصل با مرتبه علمی استاد  
امضا 
۳. استاد مشاور دوم رساله، جناب آقای دکتر مائورو مجی  
امضا 
۴. استاد داور داخلی رساله: جناب آقای دکتر سیروس نصراله زاده با مرتبه علمی دانشیار  
امضا 
۵. استاد داور داخلی رساله: سرکار خانم دکتر فرزانه گشتاسب با مرتبه علمی دانشیار  
امضا 
۶. استاد داور مدعو رساله: جناب آقای دکتر محسن ابوالقاسمی با مرتبه علمی استاد  
امضا 

امضای مدیر تحصیلات تکمیلی



امضای رئیس پژوهشکده



## فروتانه سپاسگزارم از

استاد ارجمندم، سرکار خانم دکتر مهشید میرفخرایی که با صبر و شکیبایی خود، بنده را از راهنمایی مؤثر خود بهره‌مند نمودند، لطف ایشان را سپاسی درخور نمی‌یابم.

استادان محترم، جناب آقای دکتر محمدتقی راشدمحصل و جناب آقای دکتر مائورو مجی، که مشاوره این رساله را برعهده گرفتند و تجربیات ارزش‌مندشان را در اختیارم نهادند، برای این دوبرگوار سروری و سرافرازی روزافزون آرزومندم.

تقدیم به

دو بال پروازم، پدر و مادرم،

که راه آسمان اندیشه را بر من گشودند

## چکیده

بررسی متن و تحلیل نوشته‌های کهن از راهکارهای مهم در جهت آشنایی هرچه بیشتر با ویژگی‌های زبانی و پیشینه فرهنگی و ادبی یک زبان است. کتاب زمبسته از آثار مهم ادبی به زبان ختنی، زبان ایرانی میانه شرقی، است که به صورت منظوم شامل شرح و توصیف آموزه‌های بودایی مکتب مه‌ایانه است. فصل دوم این کتاب شامل ۲۴۴ بیت است و داستان بودا و بدره جادوگر را بازگو می‌کند. محور اصلی این داستان از بیت ۹۶ آغاز می‌شود و تا بیت ۲۴۴ ادامه می‌یابد. از آنجا که زبان ختنی، در مقایسه با سایر زبان‌های ایرانی باستان و ایرانی میانه غربی کمتر مورد بررسی و پژوهش قرار گرفته، رساله حاضر به تجزیه و تحلیل واژگانی و دستوری متن ختنی «داستان بودا و بدره جادوگر» می‌پردازد. محتوای داستان در مورد بدره جادوگر و همراهانش است، که تلاش می‌کنند بودا را فریب دهند و دانایی او را بیازمایند. بعد از مشورت‌های بسیار، قرار بر آن می‌شود تا بدره با جادوی خود، گورستانی را به کاخ باشکوهی تبدیل کند، اما در این کار شکست می‌خورد، سرانجام از کرده خود پشیمان می‌شود و از بودا طلب بخشش می‌نماید. رساله در ۶ بخش تدوین شده است. بخش اول، درباره تاریخچه سرزمین ختن، جایگاه زبان ختنی و ادبیات و آثار به‌جا مانده از جمله کتاب زمبسته توضیحاتی داده شده است. در بخش دوم، به معرفی متن تبتی بدره‌مایا کاره‌ویا کرنه، متن ختنی «داستان بودا و بدره جادوگر» و وجه تشابه و تمایز این دو متن پرداخته خواهد شد، بخش سوم، به حرف‌نویسی و برگردان فارسی متن ختنی این داستان اختصاص دارد. بخش چهارم، شامل نکات دستوری و اصطلاحات و مفاهیم اصلی بودایی است. در بخش پنجم، ساختار جملات مرکب همپایگی و مرکب وابستگی و نوع ادبی و آرایه‌های ادبی و دستگاه فعل مورد بررسی قرار گرفته است. بخش ششم، بحث و نتیجه‌گیری است. بخش آخر، واژه‌نامه با توضیحات ریشه‌شناسی و الفبای آن به ترتیب الفبای سنسکریت است.

**کلیدواژه‌ها:** زبان‌های ایرانی میانه شرقی، زبان ختنی، کتاب زمبسته، داستان بودا و بدره جادوگر، جملات مرکب همپایگی، جملات مرکب وابستگی، نوع ادبی، ابزارهای بلاغی

## فهرست

پیشگفتار.....	۳
اهداف پژوهش.....	۳
موضوع مورد پژوهش.....	۴
پیشینه پژوهش.....	۴
روش کار.....	۵
کوتاه‌نوشتها.....	۶
۱- مقدمه.....	۹
۱-۱- تاریخچه سرزمین ختن.....	۹
۱-۲- زبان ختنی.....	۱۳
۱-۳- کتاب زمبسته.....	۱۸
۲- معرفی متون.....	۲۳
۲-۱- «داستان بودا و بدره جادوگر» در فصل دوم زمبسته.....	۲۳
۲-۲- متن تبتی بدره‌مایا کاره‌ویا کرنه.....	۲۵
۲-۳- وجه تشابه و تمایز دو نسخه ختنی و تبتی.....	۲۶
۳- حرف‌نویسی متن ختنی و برگردان فارسی.....	۳۱
۳-۱- حرف‌نویسی متن.....	۳۱

۴۲	۲-۳- برگردان فارسی
۵۴	۴- یادداشت‌ها
۵۴	۱-۴- یادداشت‌های دستوری
۷۵	۲-۴- یادداشت‌ها و اصطلاحات بودایی
۸۷	۵- تجزیه و تحلیل داده‌ها
۸۷	۱-۵- تحلیل متن از دیدگاه ساختار جمله
۸۸	۵-۱-۱- جمله‌های مرکب همپایگی
۸۹	۵-۱-۲- جملهٔ مرکب وابستگی
۹۰	۵-۱-۲-۱- بندهای پیرو اسمی
۹۰	۵-۱-۲-۱- بندهای پیرو اسمی
۹۰۴	۵-۱-۲-۲- بندهای پیرو قیدی
۹۸	۵-۲- تحلیل متن از دیدگاه آرایه‌های ادبی
۱۱۲	۵-۳- دستگاه فعل
۱۱۳	۵-۳-۱- ساخت اولیه (اصلی)
۱۱۳	۵-۳-۲- ستاک مضاعف
۱۱۴	۵-۳-۳- ستاک خیشومی
۱۱۴	۵-۳-۴- ستاک صفیری
۱۱۵	۵-۳-۵- ستاک y دار
۱۱۶	۵-۳-۶- ستاک اسمی
۱۱۶	۵-۳-۷- وام‌واژه‌ها
۱۱۹	۶- بحث و نتیجه‌گیری
۱۲۷	واژه‌نامه
۲۱۹	کتابنامه
۲۳۸	پیوست ۱- الفبای ختنی
۲۳۹	پیوست ۲- متن ختنی



## پیشگفتار

هر که را جامه ز عشقی پاک شد  
او ز حرص و عیب کلی پاک شد  
(حضرت مولانا)

## پیشگفتار

پژوهش علمی درباره تاریخ زبان فارسی به‌ویژه از نظر زبان‌شناختی، از طریق تجزیه و تحلیل زبان‌های کهن ایرانی صورت می‌پذیرد؛ به عبارتی، مطالعه زبان‌های کهن ایرانی می‌تواند دانسته‌های بیشتری در مورد ساخت این زبان‌ها در لایه‌های مختلف زبانی پیش روی ما قرار دهد. زبان ختنی هم هر چه بیشتر کاویده شود، به دانش زبانی و ادبی ما نسبت به زبان فارسی امروزی خواهد افزود. همچنین، با بررسی زبان‌های کهن ایرانی می‌توان با آثار زبانی و فرهنگ ایران باستان آشنا شد.

بر اساس طبقه‌بندی علمی زبان‌های کهن ایرانی، زبان ختنی یکی از زبان‌های ایرانی میانه شرقی محسوب می‌شود. مطالعه علمی زبان ختنی در کنار سایر زبان‌های کهن ایرانی از جمله اوستایی، فارسی میانه، پارتی، خوارزمی، بلخی و سغدی راه‌گشای بسیاری از پرسش‌ها در حوزه‌های مختلف زبانی از جمله واژه‌شناسی و گویش خواهد بود.

## اهداف پژوهش

هدف از این پژوهش، کسب آگاهی بیشتر نسبت به پیشینه فرهنگی و ادبی زبان فارسی در جنبه‌های مختلف زبان‌شناسی، از طریق مطالعه زبان ختنی است.

از آنجاکه این زبان وجه تشابه و پیوستگی‌های فراوانی با آثار ادبی سنسکریت، خصوصاً سنسکریت بودایی دارد از این‌رو، می‌توان از طریق آن با فرهنگ هند باستان نیز آشنا شد. به‌همین منظور، اصطلاحات مربوط به آیین و فرهنگ بودایی به‌صورت مختصر توضیح داده خواهد شد.

### موضوع مورد پژوهش

کتاب زمبسته از مفصل‌ترین متون ختنی است، که به‌سفارش مقام رسمی‌ای به‌نام زمبسته سروده شده است. زمبسته شامل فصل‌های مختلف است و به شرح و توصیف آموزه‌های مکتب مه‌ایانه بودایی می‌پردازد. موضوع پژوهش در رساله حاضر، بررسی و ترجمه فصل دوم کتاب زمبسته «داستان بودا و بدره جادوگر» است، به‌همراه تجزیه و تحلیل دستوری و واژگانی آن است.

### پیشینه پژوهش

یکی از مهم‌ترین مطالعات انجام‌شده بر روی کتاب زمبسته، ترجمه این کتاب به‌زبان انگلیسی است که توسط امریک انجام شده است (Emmerick, 1968a). فصل دوم کتاب به «داستان بودا و بدره جادوگر» اختصاص دارد. این فصل شامل ۲۴۴ بیت است که ابیات ۳۱-۴۲ آن موجود نیست. در سال ۱۹۶۵، افسانه بدره جادوگر در ۱۰ برگه کامل و نه‌برگه ناقص در مسکو نسخه‌برداری و حرف‌نویسی شد (V.S. Vorob'ev-Desjatovskij and M.I Vorob'eva Desjatovskaja) و دونفر به‌ناهای گرسنبرگ<sup>۱</sup> و لیفشیت<sup>۲</sup> کار ویرایش آن‌را انجام دادند. در سال ۱۹۶۷، امریک مقاله‌ای درباره این مجموعه نوشت (Emmerick, 1967). همچنین، در ادبیات بودایی، قطعاتی از افسانه بدره جادوگر در مجموعه متون بودایی تصحیح‌شده ارنست لیمان (Leumann, 1933-1936) گردآوری شده است. لیمان در مجموعه خود این قطعات را به آلمانی ترجمه کرده است. بیلی نیز در فرهنگ خود به‌تفصیل به بررسی واژه‌های به‌کاررفته در کتاب زمبسته پرداخته است (KT6).

---

<sup>۱</sup> L.G. Gercenberg

<sup>۲</sup> V.A. Livšic

## روش کار

این رساله شامل یک مقدمه، در پنج‌بخش به‌همراه واژه‌نامه، کتاب‌نامه و پیوست تدوین‌شده است. نخست، موضوع اصلی داستان بودا و بدره جادوگر ترجمه و سپس، از لحاظ دستوری و واژگانی تجزیه و تحلیل می‌شود. این تذکر لازم است که این فصل تاکنون به فارسی برگردان نشده است. در مقدمه، درباره تاریخچه سرزمین ختن، زبان ختنی و ادبیات و آثار به‌جا مانده از جمله کتاب زمبسته توضیحاتی داده می‌شود. بخش دوم، به معرفی «داستان بودا و بدره جادوگر»، متن تبتی «بدره‌مایاکاره-ویاکرنه»<sup>۳</sup> و وجه تشابه و تمایز این دو متن می‌پردازد. بخش سوم، به حرف‌نویسی متن ختنی و برگردان فارسی اختصاص دارد. بخش چهارم، شامل نکات دستوری و اصطلاحات و مفاهیم اصلی آیین بودایی است. بخش پنجم، تحلیل داده‌ها است. در این بخش سعی بر این است تا به تحلیل متن از نظر ساختار انواع جملات، نوع ادبی متن و جلوه‌های بلاغی و دستگاه فعل پرداخته شود. بخش ششم، شامل بحث و نتیجه‌گیری است. در پایان، واژه‌نامه با توضیحات مفصل ریشه‌شناسی آمده است، در این قسمت، واژه‌های به‌کاررفته در متن ختنی، با ذکر مقوله دستوری و واژگانی تجزیه و تحلیل می‌شود و به موارد تشابه آن‌ها با سایر زبان‌های ایرانی از جمله اوستایی، فارسی باستان، پهلوی، پارتی، سغدی و برخی گویش‌ها مانند پشتو و آسی اشاره خواهد شد. ترتیب واژه‌ها براساس الفبای زبان سنسکریت است. در این قسمت، صفت‌های فاعلی و مفعولی به‌صورت جداگانه آورده شده و به ریشه فعل مورد نظر ارجاع داده شده است. در پیوست، الفبا و نسخه ختنی و در پایان، کتاب‌نامه فارسی و لاتین گردآوری شده است.

---

<sup>۳</sup> bhadramāyākāravāyākaraṇa

## کوتاه‌نوشت‌ها

اسم	س.ش.م.	سوم شخص مفرد	ا.
اسم خاص	سغ.	سغدی	ا.خ.
اوستا	سن.	سنسکریت	او.
اول شخص جمع	هب.	هندی باستان	اول ش.ج.
اول شخص مفرد	ع.	عدد	اول ش.م.
بارتلمه	فا.	فارسی	بار.
پارتی	فب.	فارسی باستان	پا.
پهلوی	ف.	فعل	په.
جلد	ق.	قید	ج.
حرف اضافه	ص.	صفت	ح.ا.
حرف ربط	ص.ا.	صفت الزامی	ح.ر.
چاپ	ص.ف.	صفت فاعلی	چ.
دوم شخص جمع	ص.م.	صفت مفعولی	دوم ش.ج.
دوم شخص مفرد	ض.	ضمیر	دوم ش.م.
سوم شخص جمع	ض.ر.	ضمیر ربط	س.ش.ج.

SGS	Saka Grammatical Studies	Emmerick, 1968d
SD	Saka Documents	Emmerick, 1971-72
KT	Khotanese Texts	Bailey, 1958
KT6	Indo-Scythian studies	Bailey, 1967
KBT	Khotanese Buddhist Text	Bailey, 1951
DKS	Dictionary of Khotan Saka	Bailey, 1979
CPD	A concise Pahlavi Dictionary	D.N. MacKENZIE, 1971
SED	Monier-Williams	Sanskrit-English Dictionary, 1872

## مقدمه



## ۱- مقدمه

### ۱-۱- تاریخچه سرزمین ختن

سرزمین ختن در مجاورت شاخه جنوبی (و قدیم‌ترین) مسیر جاده ابریشم قرار داشته، که از یک سو به چین و از سوی دیگر از غرب نیز با یکی از راه‌های مرتبط با هند و تبت به آسیای مرکزی متصل بوده است. این سرزمین، محلی برای مبادله کالاها (به‌خصوص، سنگ یشم)، تبادل فن‌آوری‌ها، فلسفه و ادیان و فرهنگ‌های مختلف بوده است. سرزمین ختن در قسمت شرق آسیای مرکزی در جنوب رودخانه تاریخی در ایالت شین‌جیان<sup>۴</sup> در اویغور<sup>۵</sup> چین قرار گرفته است. مرکزش، شهر اورومچی<sup>۶</sup> در شمال‌صحرای تکلاماکان<sup>۷</sup> است.

تاریخ کهن و زبان فراموش‌شده پادشاهی این سرزمین با همت و پشتکار بسیاری از پژوهشگران احیاء شده است (Hill, 1988: 179-190). تاریخچه ختن قدیم، با سلطنت امپراتور بزرگ هند به‌نام اشوکه مائوریه<sup>۸</sup> (از ۲۶۹ تا ۲۳۱ قبل از میلاد) شروع می‌شود و تا زمان غلبه مسلمانان (در ۱۰۰۶ میلادی) تاریخ پرتلاطمی داشته و بارها تجاوزات بسیاری را به خاک خود تجربه کرده است. در آغاز قرن هفتم، ترک‌های

---

<sup>۴</sup> Xinjiang

<sup>۵</sup> Uyghur

<sup>۶</sup> ürumqi

<sup>۷</sup> Takla Makan

<sup>۸</sup> Aśoka Maurya



غربی تحت فرمانروایی تونگ‌یهو کههان<sup>۹</sup> حکومت خود را بر مناطق غربی گسترش دادند و ختن به یکی از ایالت‌های خراج‌گزار آن‌ها تبدیل شد تا اینکه مبارزه‌ای درون‌حکومتی در میان ترک‌ها پدید آمد و منجر به کاهش تسلط آن‌ها در ایالت‌های واحه‌ای شد (Chavannes, 1903: 194-5). سرانجام، سلسله تانگ<sup>۱۰</sup> ترک‌های غربی را شکست داد. در سال ۶۷۰م، تبتی‌ها ختن و سپس آق‌سو<sup>۱۱</sup> را اشغال کردند. در آن دوره، ختن به‌طور متناوب توسط تبت و چین اشغال می‌شد تا اینکه حدود شصت سال پس از آن، ختن تحت-کنترل چین درآمد. در این دوره بود که بازدید راهبان ختن به چین به‌اوج خود رسید. حکومت چینی در ختن از سال ۷۶۳م، تا زمان اشغال نهائی این سرزمین توسط تبتی‌ها، ادامه پیدا کرد تا اینکه سرانجام در سال ۷۹۸ یا کمی بعد از آن، اما قبل از سال ۸۰۱ میلادی، تسلیم تبت شد (Zhang and Rong, 1997: 265; Emmerick, 1983b: 348-50). حدود ۸۵۶ میلادی، خاقان اویغور با چین متحد شد و تبتی‌ها را بیرون کرد و کنترل ناحیه شمالی را به‌دست‌گرفت (Emmerick, 1983b: 268). سرانجام در سال ۱۰۰۶م، یوسف قادرخان خود را حاکم ختن خواند و به‌این ترتیب قره‌خانیان حکمرانی خود را بر سرزمین ختن آغاز کردند.

تمامی اطلاعات تاریخی-سیاسی درباره ختن از روی منابع چینی بدست می‌آید (Emmerick, 1983b: 268). شناسایی پادشاهان ختن که در تاریخ چین ذکر شده، دشوار است. تلاش‌هایی برای اثبات شباهت این اسامی با نام پادشاهان در متن تبتی‌ای، به‌نام Li yul lung bstan pa «پیشگویی کشور لی»، صورت گرفته است (Hill, 1988: 179-190; Emmerick, 1983b: 267).

در گزارش فاسیان<sup>۱۲</sup> (۴۰۱ میلادی)، یکی از زائران ختن، آمده است که سرزمین ختن در زمان حکومت چینی‌ها دارای پادشاهی پررونق و دوستانه‌ای بوده و جمعیت زیاد و قابل توجهی داشته است، ساکنین آن همگی به قانون و مذهب احترام می‌گذاشتند و تعداد راهبان مکتب مه‌ایانه زیاد بوده است (Emmerick, 1983b: 266). سفرنامه نسبتاً طولانی و بحث‌برانگیزی از زائر دیگری به‌نام شوان‌زانگ<sup>۱۳</sup> (۶۴۴ م.)

<sup>۹</sup> Tong-yehu Kehan

<sup>۱۰</sup> Tang

<sup>۱۱</sup> Aqsu

<sup>۱۲</sup> Fa-hsien

<sup>۱۳</sup> Xuanzang

دربارهٔ ختن وجود دارد. به گفتهٔ وی، نام رسمی این کشور، «ختن»، در سنسکریت -gostana (تحت الفظی پستان گاو [= زمین]) است اما جمعیت محلی آن را هونَه<sup>۱۴</sup> می خواندند (Beal, 1884: 309-22; Pelliot, 1959: 408-18; Hambis, 1986: 37).

در زمبسته (۲۳/۴)، نام کشور، زبان و مردم این سرزمین havatana و در KT.232، نام این کشور hvatana-kṣīra آمده است. نام ختن در ختنی جدید به صورت -hvaṃna- hvana- و -hvaṃ- است. hvatana- شاید از -hva- به معنی «خویش، خود» گرفته شده باشد، که در ختنی hiye به معنی «صاحب، حکمران» است. صورت صفتی ختن در سغدی γwōnyk است. در پراکریت، زبان اداری قرن سوم میلادی در «کرورینه»<sup>۱۵</sup>، حرف h تلفظ نمی شد اما واژهٔ khotana در سندی به خط خروشتی موجود است که متعلق به سال جلوس شاه بزرگ ختن است. لقب این پادشاه hinajha (فرماندهٔ سپاه) بوده است که معادل ایرانی عنوان شناخته شدهٔ سنسکریت senāpati است و این خود نشانهٔ معتبر حضور ایرانیان در ختن است (میرفخرایی، ۱۳۸۳ الف: ۱۰) اما نام دیگر ختن، در سنسکریت gaustana-deśa است (Emmerick, 1983b: 266). در سفرنامه‌ها گفته شده است که زمانی که وزرای پسر پادشاه اشوکه (۲۳۱-۲۷۲ قبل از میلاد) از هند می‌گریزند، به سرزمینی می‌رسند که مانند پستان گاو برآمده بوده است، آنها نیز این نام را بر آن می‌نهند (Beal, 1888: 203). همچنین در تبتی، به آن Li yul luñ-bstan- pa «پیشگوی سرزمین لی» (= همان ختن) گفته شده است (Emmerick, 1967: 19-21)، آنجا سرزمینی است که شاهزاده به آن تبعید می‌شود و بعدها به پادشاهی می‌رسد. اگرچه این داستان در دو منبع مستقل یافت می‌شود اما نباید با اطلاعات تاریخی این سرزمین اشتباه گرفته شود (Emmerick, 1979c: 167; 1983b: 263-75). در «پیشگوی کشور لی»، داستان ۵۶ پادشاه و یک شاهزادهٔ ختنی آمده است که صومعه‌هایی را بنیان نهادند. هدف آن‌ها از این کار، بزرگداشت بنیان‌گذاری دیندارانهٔ هر پادشاه بوده است.

---

<sup>۱۴</sup> Huanna

<sup>۱۵</sup> Kroraina پراکریت کرورینه که به نیه پراکریت (Niya Prakrit) هم معروف است، زبان تعداد زیادی از اسناد و مدارکی بوده که به خط خروشتی در زمان پادشاهی کرورینه‌ها نوشته شده است (J.P. Mallory, 2015:6).

نمی‌توان تاریخ دقیقی برای ورود آیین بودا به ختن در نظر گرفت. در سال‌های اخیر، پایه‌گذاری سرزمین ختن را به پسر و وزیر اشوکه نسبت می‌دهند و بنابر روایات، تأسیس آن را نتیجهٔ مصالحه‌ای می‌دانند که میان گروه‌های تبعیدی هندی و چینی‌ها برقرار شده است (میرفخرایی، ۱۳۹۴: ج. ۵، ۹-۵۳۸). بنابر گزارش سوآن سانگ<sup>۱۶</sup>، در آن زمان حضور هندی‌ها در این شهر پررنگ بوده است. هندی‌ها و چینی‌ها در ختن هم‌زیستی مسالمت‌آمیزی داشته‌اند، به طوری که مجموعه‌ای از سکه‌های آن عصر نشان می‌دهد که آن‌ها در روی سکه، افسانه‌های چینی و در پشت آن، افسانه‌های هندی پراکریت را به خط خروشتی نقش می‌زدند (Emmerick, 1983b: 264-5). براساس روایت محلی در متن تبتی «پیشگویی کشور لی»، تأسیس ختن را ۲۳۴ سال بعد از مرگ بودا (۴۳۸ ق.م. و ۱۷) و ورود آیین بودا را ۱۶۵ سال پس از بنیان‌گذاری سرزمین ختن دانسته‌اند (Maggi, 2009a 340).

احتمالاً در آن زمان، آیین بودا دوران آغازین خود را طی می‌کرده است و پیروان محافظه‌کار بودایی در ختن با اصطلاح تحقیق‌آمیز هیینه‌یانه<sup>۱۸</sup> (= گردونهٔ کوچک) نامیده می‌شدند (میرفخرایی، ۱۳۹۴: ج. ۵، ۵۳۹). بنابر متن تبتی «پیشگویی کشور لی»، در حدود سال ۱۰۰ میلادی، هنگامی که شاه ختن پادشاه کاشغر را شکست می‌دهد و او را به آیین بودایی درمی‌آورد، مکتب‌های محافظه‌کارانهٔ مهاسانگیکه<sup>۱۹</sup> و سرواستیوادا<sup>۲۰</sup> نیز در ختن وجود داشته است. از طرفی، سرزمین ختن پایگاه مهمی برای مکتب مهاییانه (= گردونهٔ بزرگ)<sup>۲۱</sup> در آسیای مرکزی از قرن سوم و چهارم تا زمان غلبهٔ قره‌خانیان بر این سرزمین قبل از ۱۰۰۶ میلادی بوده است. همچنین بنابر گزارش‌های فاسیان (۴۰۱ م.) و شوان‌زانگ<sup>۲۲</sup> (سال ۶۴۴ م.) که

<sup>۱۶</sup> Hsüan-tsang: یکی از زائرین سرزمین ختن

<sup>۱۷</sup> سال ۴۸۳ ق.م. یکی از تاریخ‌هایی است که پژوهشگران معاصر برای مرگ بودا در نظر گرفته و بر روی آن اتفاق نظر دارند. تاریخ متأخرتری، حدود ۴۰۴ ق.م. توسط گامبریج (۱۹۹۲) پیشنهاد شده است، که این تاریخ مشروط به آن است که آیین بودا در سال پنجم میلادی وارد سرزمین ختن شده باشد. (Maggi, 2009a 340, fn 41).

<sup>۱۸</sup> نک. یادداشت شماره ۲۲ (Hīnayāna)

<sup>۱۹</sup> Mahāsāṅghika

<sup>۲۰</sup> Sarvāstivāda

<sup>۲۱</sup> حدود ۴۰۰ سال بعد از درگذشت بودا، شکل تازه‌ای از آیین بودا در هند پیدا شد که نام مهاییانه روی خودش گذاشت، به معنای گردونه بزرگ (برای گذشتن از بیابان رنج). به اعتقاد مهاییانی‌ها، هیینه‌یانه فقط یک بخش مقدماتی آموزه بوداست؛ شنونده‌های نامتمرکز پیشین او پیروانی بودند که تنها توانایی فهم قسمتی از آموزه‌های بودا را داشتند. برعکس، هیینه‌یانی‌ها، مهاییانه را انحرافی در آموزه بودا می‌دانند (شومان، ۱۳۹۷: ۱۱۹).

<sup>۲۲</sup> Shanzang

هر کدام چند ماهی را در ختن گذرانده بودند، مکتب مهیانه در ختن رو به پیشرفت بوده است. به طور کلی، آثار بازمانده زیادی از متون سنسکریت مهیانه‌ای در ختن کشف شده است. به هر حال، متون سنسکریت بودایی منبع مهم و ضروری برای پی‌بردن به پیشرفت فرقه مهیانه در ختن است (میرفخرایی، ۱۳۹۴: ج. ۵، ۵۳۹).

بنابراین، آنچه شواهد تاریخی نشان می‌دهد، ختن طی دوران سیمصد ساله‌ای؛ به عبارتی از قرن هفتم تا دهم، مرکز مطالعات بودایی بوده و نقش برجسته‌ای در انتقال آیین بودایی از هند به چین و تبت داشته است. حمایت پادشاه هندی، اشوکه<sup>۳۳</sup> از آیین بودایی نیز موجب می‌شود تا حتی بعد از مرگ بودا این آیین با وجود اختلافات بسیار به صورت یک اقلیت در نیاید. سنگ نبشته‌هایی که از دوره پادشاهی اشوکه وجود دارد، با اینکه حاوی مطالب متنوع است، اما هیچ‌کدام از آن‌ها خالی از آموزه‌های بودایی نیست و بیشتر آن‌ها به زبان پراکریت و خط براهمی نوشته شده است (Maggi, 2015a: 860).

## ۱-۲- زبان ختنی

زبان ختنی یکی از زبان‌های ایرانی میانه شرقی است و همانند زبان‌های باستانی (اوستا و فارسی باستان) یک زبان تصریفی به‌شمار می‌رود.

منابع فارسی، یونانی و چینی از اقوامی به نام سکاها نام برده‌اند که در ناحیه‌ای در شرق سغد می‌زیسته‌اند و گروهی از این قبایل سکایی و تخاری در قرن دوم پیش از میلاد، منطقه بلخ، زرنج (سیستان) و رُخج را تصرف می‌کنند و سپس قلمرو خود را تا شمال غربی هند گسترش می‌دهند (میرفخرایی، ۱۳۹۴، ج. ۵: ۵۷۶-۵۳۳). نوشته‌های ختنی و تمشقی را متعلق به این قبیله می‌دانند؛ به عبارتی، اصطلاح زبان «سکایی» معمولاً برای دو زبان مشابه، یکی در ناحیه ختن و دیگری در تمشق که در یک زمان توسط این قوم، تکلم می‌شده است، به کار می‌رود از این‌رو زبان سکایی خود به دو گویش تمشقی (گویش شمالی) و ختنی (گویش جنوبی) تقسیم‌بندی می‌شود. زبان‌های ختنی و تمشقی از نظر زبانی و جغرافیایی رابطه نزدیکی با یکدیگر دارند به طوری که آن‌ها را می‌توان گویش‌های مختلف یک زبان به حساب آورد (میرفخرایی، ۱۳۸۳ الف: ۱۱).

<sup>۳۳</sup> Aśoka

برای نگارش ختنی و تمشقی دونوع خط، رسمی و شکسته یا متصل، به کاررفته است، که هر دو صورت تحول یافته خط براهمی هندی است. از گونه رسمی برای متن های ادبی، بیشتر متون دینی و از گونه شکسته برای متون دینی و نوشتار روزمره استفاده شده است که به این دو گونه خط، اصطلاح درست-تر براهمی «ادبی» و «تجاری» نیز گفته می شود؛ گونه تجاری به غلط شکسته یا متصل نامیده شده است و نباید آن را صورت تحول یافته گونه ادبی در نظر گرفت زیرا هر دو گونه هم زمان به کار رفته اند و حتی گونه تجاری ویژگی های قدیمی تری را حفظ کرده است. طبق دسته بندی ساندر (Sander, 1986: 159-186)، می توان تحول گونه های رسمی را در چهار مرحله طبقه بندی کرد: ۱) براهمی ترکستانی آغازی (حدود قرن ۵ میلادی)؛ ۲) براهمی ترکستانی جنوب آغازی (پایان قرن ۶ تا ۷ میلادی)؛ ۳) براهمی ترکستانی جنوبی (گونه اصلی)، (میان ۷ تا ۹ میلادی) و ۴) براهمی ترکستانی متأخر (قرن ۱۰ میلادی) (میرفخرایی، ۱۳۹۴، ج ۵: ۵۳۵). خط براهمی را سکاها از هندی ها و هندی ها از آرامی ها گرفته اند (Maggi, 2009a:334-5).

زبان ختنی تنها به ناحیه ختن محدود نبوده و حوزه وسیع تری را از جمله کاشغر تا تمشق در شمال صحرای تا کلاماگان<sup>۲۴</sup> و از کاشغر تا ختن در جنوب این بیابان دربر می گرفته است. احتمال می رود از نیمه دوم سده اول پیش از میلاد در واحه های حوزه تاریم، به زبان ختنی صحبت می شده است (ابوالقاسمی، ۱۳۷۳: ۱۴۱)، اما دوره رواج آن باید از سده سوم میلادی به بعد باشد.

پژوهشگران غربی و ژاپنی شماری از نسخ، دست نوشته ها، برگه ها، پاره برگه های زیادی را از زبان ختنی در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی در ناحیه ختن و غار «هزاربودا» نزدیک ناحیه «دن هوانگ»<sup>۲۵</sup> چین پیدا کردند. تاریخ نگارش این آثار بین قرن پنجم تا دهم میلادی است و به دوران فرمانروایی سکاها یا سکاها بازمی گردد (میرفخرایی، ۱۳۹۴، ج ۵: ۵۳۳).

از سال ۱۸۹۷، پژوهش های مربوط به متون ختنی آغاز شد و آگوست فردریش رادولف هرزل<sup>۲۶</sup> به صورت آزمایشی، نخستین چاپ عکسی دستنویس ها و حرف نویسی انجام داد. به دنبال آن، تصحیح متون

<sup>۲۴</sup>Takla Makan

<sup>۲۵</sup>. Dunhuang

<sup>۲۶</sup>. Augustus Fredric Rudolf Hoernle

و ترجمه آن‌ها توسط ارنست لیمان<sup>۲۷</sup> و استن کنوو<sup>۲۸</sup> صورت گرفت. شروو نیز مجموعه ختنی لندن را به-تازگی تصحیح و فهرست‌بندی کرده است (Maggi, 2009a: 331-2).

مجموعه‌ای از آثار ختنی در کتابخانه‌های پاریس، لندن، سنت پترزبورگ، واشنگتن، استکهلم، کمبریج، کیوتو، دهلی‌نو، لوشون و ... نگهداری می‌شود. مهم‌ترین آن‌ها در کتابخانه ملی پاریس (مجموعه پلیو)، کتابخانه بایگانی هند در لندن (مجموعه‌های هرئل و اشتاین) و شعبه مؤسسه آسیایی فرهنگستان علوم شوروی در لنینگراد (مجموعه پتروفسکی) وجود دارد (میرفخرایی، ۱۳۹۴، ج. ۵: ۵۳۳).

قدیمی‌ترین دست‌نوشته‌های ختنی متعلق به ناحیه ختن است و متأخرترین آن‌ها از غار هزاربودا نزدیک دُن‌هوانگ در استان گنسو<sup>۲۹</sup> کشف شده‌اند. تنها می‌توان بخشی از دست‌نویس‌های ختنی را نسبتاً دقیق تاریخ‌گذاری کرد؛ از جمله متن‌های اداری و اسناد. به‌جز دست‌نویس سوترهٔ بیش‌جیه‌گرو<sup>۳۰</sup> که پایان-نویس آن متعلق به قرن هشتم میلادی است، هیچ‌کدام از دست‌نویس‌های ادبی ختنی دارای تاریخ نیستند، تنها براساس روش‌های رایج در خط‌شناسی، می‌توان برای آن‌ها تاریخ تقریبی تعیین کرد. دست‌نویس‌های دن‌هوانگ که قسمت عمده‌ای مربوط به قرن دهم میلادی‌اند، تقریباً دارای تاریخ‌اند. این متن‌ها که بنا بر مراحل مختلف زبانی نوشته شده‌اند، معمولاً تحت‌عنوان ختنی قدیم و جدید تقسیم‌بندی می‌شوند (میرفخرایی، ۱۳۹۴، ج. ۵: ۵۳۴). تفاوت چشم‌گیر زبان ختنی قدیم و جدید در تحولات آوایی و صورت‌های صرفی است. نوشته‌های ختنی جدید شامل متون بازرگانی، مذهبی، پزشکی می‌باشد که متعلق به قرن هشتم و نیمهٔ اول قرن نهم میلادی است (میرفخرایی، ۱۳۸۳ الف: ۱۷). دست‌نویس‌های ناحیهٔ ختن به هر دو زبان قدیم و جدید نگارش شده‌اند درحالی‌که همهٔ دست‌نویس‌های مربوط به دن-هوانگ ختنی جدید هستند (Maggi, 2015a: 861). با توجه به فقدان متن‌های ختنی قدیم از دُن‌هوانگ و آزادی عمل در ترجمهٔ متون بودایی آن منطقه، می‌توان این فرضیه را بیان کرد که به‌علت گسستی که در سنت بودایی پدیدار شد، نگارش و نسخه‌برداری متن‌های ختنی قدیم، در طی آشوب‌های سیاسی و اجتماعی در دوران حکومت تبتی‌ها، در حدود سال ۷۹۰ تا نیمهٔ سده نهم میلاد متوقف شده است. بیشتر

<sup>۲۷</sup>. Ernst Leumann

<sup>۲۸</sup>. Sten Konow

<sup>۲۹</sup>. Gansu

<sup>۳۰</sup> bhaiṣajyaguru